

کلام مرحوم عراقی:

حضرت امام سخن ایشان را چنین تقریر می کند:

«و ما فی تقریرات بعض محققى العصر: من أن مقوم الحرمة هو مبغوضیة الوجود، كما أن مقوم الوجوب محبوبیته، و مقتضاه سراية البغض إلى علّة الفعل المبغوض، فيكون كل جزء من أجزاء العلة - التوأم مع وجود سائر الأجزاء بنحو القضية الحینیة - مبغوضا بالبغض التبعی، و حراما بالحرمة الغیریة.»^۱

توضیح:

۱. قوام حرمت به مبغوض بودن شیء حرام است و قوام واجب به محبوب بودن شیء واجب است.
۲. و اقتضای این مطلب آن است که بغض به علّت شیء مبغوض، سرایت می کند.
۳. در نتیجه هر جزئی از اجزاء علّت (در حالیکه با بقیه اجزاء توأم است) حرام تبعی است.
۴. البته این توأم بودن، به نحو قضیه حینیّه است، یعنی وقتی چنین است مبغوض است و نه اینکه به شرط همراه بودن مبغوض باشد.

ما می گوئیم:

مرحوم عراقی در بحث مقدمه واجب، قائل به وجوب مقدمه موصله به نحو قضیه حینیّه بود. (و نه به شرط اجتماع با بقیه مقدمات، بلکه در حین اجتماع با بقیه مقدمات)

پاسخ امام به محقق عراقی:

حضرت امام به مرحوم عراقی پاسخ می دهند:

«ففيه: - مضافا إلى أن المبغوضیة لا يمكن أن تكون مقومة للحرمة، و لا المحبوبيّة للوجوب، لأنهما فی الرتبة السابقة على الإرادة المتقدّمة على البعث و الزجر المنتزع منهما الوجوب و الحرمة - أن مبغوضیة الفعل لا يمكن أن تكون منشأ لمبغوضیة جميع المقدمات، لعدم المناط فيها على نحو العام

۱. امام خمینی، روح الله، مناهج الوصول إلى علم الأصول، قم، چاپ اول، ۱۴۱۵ ق، ج ۱، ص ۴۱۸.



الاستغراقی، لأنَّ البغض لشيء يسرى إلى ما هو محقق وجوده و ناقض عدمه، و غير الجزء الأخير من العلة أو مجموع الأجزاء في المركب الغير المترتب، لا ينقض العدم.»^۱

توضیح:

۱. اولاً: مبعوضیت مقوم حرمت نیست و محبوبیت مقوم وجوب نیست.
۲. چراکه مبعوضیت و محبوبیت، در رتبه سابق بر اراده است و اراده در رتبه متقدم بر بعث و زجر، که از بعث و زجر وجوب و حرمت انتزاع می شود.
۳. [به عبارت دیگر وجوب و حرمت انتزاعی هستند و امور تکوینی که مبعوضیت و محبوبیت باشند، مقوم امور انتزاعی نیستند.]
۴. ثانیاً: مبعوضیت یک کار، نمی تواند منشأ مبعوضیت همه مقدمات آن کار شود چراکه:
۵. در همه مقدمات - به نحو عام استغراقی - ملاک مبعوضیت نیست. [به اینکه مبعوضیت به تک تک مقدمات سرایت کند]
۶. بلکه ملاک مبعوضیت در علت تامه (همه با هم به نحو عام مجموعی) و یا در جزء اخیر علت تامه موجود است، چراکه بغض یک شی تنها به چیزی سرایت می کند که آن شی را پدید می آورد و عدم آن را از بین می برد.

حضرت امام سپس به فراز قضیه حینیّه از محقق عراقی اشاره می کنند و از آن جواب می دهند:

«و قوله: - إنَّ الجزء التوأم مع سائر الأجزاء مبعوض - من قبیل ضمّ ما لیس بالدخیل إلى ما هو الدخیل، فإنَّ المجموع بما هو مجموع و إن كان مبعوضاً، لأنَّه العلة التامة لتحقّق الحرام، لكن كل واحد لیس كذلك بنحو القضية الحینیّة، لعدم الملاك فيه.

هذا، مع أنه قاس الإرادة التشريعية بالتكوينية في مقدمات الواجب، و مقتضى قياسه عدم الحرمة هاهنا، ضرورة أن من أراد ترك شيء لا تتعلّق إرادته بترك كل واحد من مقدماته، بل تتعلّق بترك ما هو

۱. امام خمینی، روح الله، مناهج الوصول إلى علم الأصول، قم، چاپ اول، ۱۴۱۵ ق، ج ۱، ص ۴۱۸.



مخرج مبغوضه إلى الوجود، و هذا واضح.^۱

توضیح:

۱. اینکه مرحوم عراقی می گوید هر جزء همراه با بقیه اجزاء (حینیه) مبغوض است غلط است چراکه:
۲. این دخالت دادن چیزی که هیچ ربطی ندارد به چیزی است که ربط دارد.
۳. چراکه همه با هم اگرچه ملاک مبغوضیت را دارند ولی تک تک ملاک را ندارند (به نحو قضیه حینیه) چون ملاک (تحقق بخشیدن به وجود) را ندارند.
۴. ثالثاً: قیاس اراده تشریحیه به اراده تکوینیه باطل است [که به طور مفصل در تقریر فرمایش حضرت امام آن را توضیح دادیم]
۵. رابعاً: اگر هم قیاس درست بود، باید می گفتند مقدمات حرام نیست چراکه در اراده تکوینی وقتی کسی می خواهد ذی المقدمه را ترک کند، اراده نمی کند ترک تک تک مقدمات را، بلکه چیزی را اراده می کند که مبغوض را از وجود خارج می کند. (یعنی یک مقدمه و نه همه مقدمات).

جمع بندی:

کلام امام در مقدمه حرام را پذیرفتیم و به عدم حرمت مطلق مقدمات قائل می شویم.

۱. امام خمینی، روح الله، مناهج الوصول إلى علم الأصول، قم، چاپ اول، ۱۴۱۵ ق، ج ۱، ص ۴۱۹.

